

## ابعاد فقهی و حقوقی شیربها بر مبنای فقه امامیه و حنفی و حقوق

### ایران و افغانستان

زکيه احمدی<sup>۱</sup>، سيد رسول آقائي<sup>۲</sup>

#### چکیده

شیربها به دارایی یا اموالی گفته می‌شود که زوج هنگام ازدواج به خانواده زوجه با هدف تهیه جهیزیه و تأمین سایر مصارف ازدواج می‌پردازد. در اسلام مسئولیت تأمین نیازهای مالی زندگی مشترک بیشتر بر عهده زوج و مرد خانواده است و زنان تکلیفی در این خصوص ندارند، ولی در برخی مناطق رسم است که مبلغی به عنوان شیربها و امثال آن از خانواده زوج برای تهیه جهیزیه گرفته می‌شود. این رسم بیش از سازگاری با آموزه‌های دینی، بیشتر با رسم‌های رایج محلی و منطقه‌ای تطبیق می‌کند. با توجه به کاربرد فراوان پرداخت شیربها برای تهیه جهیزیه در جوامعی مانند افغانستان و ضرورت انطباق آن با فقه و قانون در نوشتار کنونی سعی شده است ابعاد فقهی و حقوقی پرداخت شیربها بر مبنای فقه امامیه و حنفی و حقوق ایران و افغانستان بررسی و ارزیابی شود.

**واژگان کلیدی** جهیزیه، شیربها، ازدواج، فقه، حقوق، امامیه، حنفی.

#### ۱. مقدمه

ازدواج از مهمترین مسائل اجتماعی است که تمام جوامع بشری به آن اهتمام ویژه داشته و هر کدام مطابق قوانین و رسومات خاص خود آن را انجام می‌دهند. از اساسی‌ترین امور مرتبط با ازدواج تهیه وسایل ضروری زندگی و تأمین مصارف عروسی و ازدواج است که زوجین پیش از آغاز زندگی مشترک باید آنها را فراهم کنند. بررسی‌های انجام شده در سطح کشورهای مختلف حاکی از

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق خانواده از افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ﷺ العالمیه، قم، ایران.

آن است که برگزاری بسیاری از آداب ازدواج از جمله رسومات مشترکی هستند که در فرهنگ کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون، متداول و مرسوم است و ریشه در گذشته‌های دور دارد. در همه کشورهای دنیا وقتی زوجی تصمیم به زندگی مشترک می‌گیرند یکی از مسائل مهم، تهیه لوازم اولیه زندگی و سایر مصارف برگزاری مراسم ازدواج و مانند آن بوده است. این موضوع یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های تمام خانواده‌هاست. البته روشن است که کشورهای دنیا از يك شیوه خاص و مشترك در این موضوع تبعیت نمی‌کنند بلکه بسته به شرایط و سطح زندگی خانواده‌ها و رسم‌های رایج، تفاوت دارد. در جامعه ایران و بسیاری از جوامع دیگر با توجه به فرهنگ و رسوم حاکم بر آن مرسوم است که زن در آغاز ازدواج براساس توانایی و تمکن مالی خانواده‌اش بخشی از مسئولیت مالی و از جمله تهیه جهیزیه را به عهده می‌گیرد. درحالی که براساس عرف رایج افغانستان و برخی کشورهای دیگر، مسئولیت تمام مخارج ازدواج و زندگی مشترک به عهده زوج است. حتی اگر زوج و خانواده او در ظاهر هزینه را متقبل شوند زوج باید هزینه آن را پرداخت کند. قوانین مدنی ایران و افغانستان نیز بیشتر مطابق عرف رایج هر کشور تنظیم شده است. درحالی که از نظر فقهی، زوج هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال نیازهای مالی منزل ندارد و بلکه زوج ملزم است تمام نیازها و مصارف زندگی مشترک را تأمین کند. هر چند در بسیاری از مناطق افغانستان و برخی کشورها و فرهنگ‌های دیگر این اصل مراعات می‌شود، ولی هم‌خوانی شیوه پرداخت و تقبل هزینه‌های ازدواج و زندگی مشترک در این مناطق با مبانی فقهی و حقوقی نیازمند تأمل و ارزیابی جدی است.

به دلیل وجود رسم‌های گوناگون درباره ازدواج و مصارف آن و اهمیت بحث و ضرورت تطبیق‌سازی این رسم‌ها با دستورات دینی و حقوقی در نوشتار حاضر تلاش شده است تا موضوع پرداخت شیربها برای تهیه مصارف زندگی از منظر فقهی و حقوقی به روش تحلیلی-توصیفی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای بررسی و ارزیابی شود. دستیابی به نتیجه‌ای اثربخش درباره این موضوع در راستای اصلاح رفتار زوجین و تحکیم پایه‌های ازدواج و رفع بسیاری از اختلافات می‌تواند

ثمربخش باشد. به‌ویژه آنکه این مسئله موضوع جدیدی است که تاکنون در مورد آن بحث جدی صورت نگرفته است.

پژوهش حاضر از نظر موضوعی به تبیین و ارزیابی جهیزیه می‌پردازد و از لحاظ زمانی و مکانی این موضوع در عرف رایج افغانستان و ایران معاصر اختصاص دارد. از لحاظ محتوایی با توجه به مبتنی بودن قوانین اساسی افغانستان و ایران به ترتیب بر فقه حنفی و شیعی، این موضوع بر مبنای حقوق مدنی این دو کشور و فقه شیعه و حنفی بررسی می‌شود.

## ۲. تعریف شیربها

شیربها در لغت به معانی زیر آمده است: بهای شیر، پول نقد یا چیزی دیگر که داماد در وقت ازدواج به پدر و مادر عروس بدهد، مزد دایگی و شیردادن به کودک، حق ارضاع (عمید، ۱۳۸۹، ص ۷۱۶؛ معین، ۱۳۸۱، ۹۷۰/۱)، هر آنچه از قماش، زر و گوهر که هنگام عروسی از خانه داماد به خانه عروس فرستاده می‌شود. افزون بر آن در برخی تعاریف، کابین، دست‌پیمان، مهر و صداق هم ذیل شیربها قرار گرفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۵۶۷۴). در اصطلاح عرفی نیز شیربها مالی است که براساس عرف رایج در برخی جوامع علاوه بر مهریه توسط خانواده زوجه از زوج گرفته می‌شود. این مال برای اولیا و یا خصوص مادر دختر بیشتر با هدف قدردانی از زحمات وی و یا به منظور تهیه جهیزیه منظور می‌شود (شرف‌الدین، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹). از همین جهت، شیربها و گله ارتباط نزدیکی با جهیزیه و مهریه می‌یابد و در ضمن بحث این موضوع نیز بررسی و ارزیابی می‌شود.

## ۳. شیربها در فرهنگ‌های مختلف

به‌طور قطع بسیاری از آداب و رسوم ازدواج در زمان‌های بسیار گذشته ریشه دارد و حتی این رسومات در فرهنگ بسیاری از ملل دنیا مشترک هست. ممکن است تصور شود که برخی از رسومات ازدواج مانند مهریه، جهیزیه و شیربها از جمله رسومات و سنت‌هایی هستند که تنها در برخی از کشورهای آسیای شرقی و عرب‌زبان حاشیه خلیج فارس متداول و مرسوم هستند، ولی نتایج به‌دست‌آمده از بررسی‌های انجام شده در سطح کشورهای مختلف حاکی از آن است که



برگزاری بسیاری از آداب ازدواج مانند خرید حلقه و همچنین خرید جهیزیه و دادن شیربها از جمله رسومات مشترکی هستند که در فرهنگ کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون، متداول و مرسوم است و ریشه در گذشته‌های دور دارد. هم‌اکنون نیز در خانواده‌ها و جوامع سنتی که حاضر نیستند رسم‌های رایج پیشین را به‌آسانی کنار بگذارند گرفتن شیربها رایج است. درحالی که خانواده‌ها، مناطق و یا کشورهایی که خود را متمدن‌تر می‌دانند، سعی می‌کنند تا حد امکان از بسیاری سنت‌های گذشته فاصله بگیرند.

از نظر تاریخ علم حقوق، شیربها از بقایای دوران بردگی زن شمرده شده است که نکاح به صورت فروش دختر واقع می‌شد و شوهر او را از پدر می‌خرید و عوض را به پدر می‌داد. پس از تطور نکاح در ادوار بعد، برای نکاح مقداری مال به زن و مقداری هم به پدر دختر می‌دادند، ولی پس از آنکه مهر از آن زن شد مطابق بعضی رسوم و عادات، هدیه‌ای هم با عنوان شیربها و مانند آن به پدر دختر داده می‌شود. (امامی، ۱۳۴۷، ۳۸۹/۴) براساس گزارش‌های موجود تا پیش از قرن پنجم قبل از میلاد یعنی، در دوران هومریک یونان قدیم رسم بر این بود که خانواده عروس به خانواده داماد شیربها می‌دادند تا اینکه در اواخر دوران کلاسیک به‌تدریج جهیزیه جایگزین شیربها شد. زن یونانی در هر نقطه از زندگی خود تابع مراقبت رسمی مرد بود و پدر مسئول تهیه جهاز او بود تا بتواند ازدواج کند و هنگام ازدواج میزان جهیزیه توافق شده را اعلام می‌کرد و اگر شوهر بی‌دلیل زنش را ترک می‌کرد، می‌بایست جهیزیه را با ۱۸ درصد بهره بازگرداند.

جهیزیه در روم باستان هم متداول بود. از حدود سال ۲۳۰ پیش از میلاد مسیح جهیزیه‌ای که زن به خانه شوهر می‌برد جای شیربهایی را که به خانواده عروس پرداخت می‌شد، گرفته بود و این موضوع به‌نوعی تدبیر مالی رایج در ازدواج‌های رم تبدیل شده بود. براساس این رسم، جهیزیه در طول ازدواج در اختیار شوهر قرار می‌گرفت و تنها در صورت طلاق باید آن را برمی‌گرداند مگر آنکه زن زناکار شناخته می‌شد. در ایران نیز میان ترکمن‌ها در گذشته دورتر خانواده عروس مبلغی را به‌عنوان باشلق (ر.ک.، دهخدا، ۴۹/۱؛ امامی، ۱۳۷۸) که شبیه شیربهاست از خانواده داماد برای خرید لوازم زندگی می‌گرفتند که در حال حاضر این رسم تا حدود زیادی منسوخ شده است.

نمونه‌ای از اسباب و اثاثیه‌ای که در سال ۱۳۳۸ شمسی برای نوعروس ترکمنی با مبلغ باشلق خریداری شده به شرح ذیل است: مبلغ باشلق: ۱۲ رأس گوسفند به اضافه ۱۵۰۰ تومان پول نقد. اسباب و اثاثیه تهیه شده: دو تخته پتو، سه عدد اشرفی، گردن بند از مله‌و و میخک، گردن بند از منجوق عقیق و مرجان، شش عدد افسار اسب، مواد زیر هر کدام یک عدد: خورجین، طناب هشت لایه، نمکدان، قندان، کاسه زردرنگ، شیشه اعلا، لباس شامل یک دست چارقد، دستمال و پیراهن. (ر.ک.، <http://persianv.com>). همین‌طور براساس رسم رایج در تاریخ گذشته شهر قم، موقع عقد (در مجلس عقد) قاعده‌ای بود که برای تهیه جهیزیه از داماد مبلغی به‌عنوان شیربها می‌گرفتند (ر.ک.، <http://persianv.com/>). در افغانستان نیز میان بسیاری از اقوام و قبایل از گذشته‌های دور تا کنون این رسم رایج است که جهاز توسط خانواده عروس تهیه می‌شود، ولی هزینه تهیه جهاز هم مانند بقیه مصارف دیگر ازدواج از داماد و یا خانواده او با عنوان شیربها، یا گله، یا قلین دریافت می‌شود.

تفاوت اساسی رسم‌های پیشین و حال مردم در پرداخت شیربها و تهیه جهیزیه این است که در گذشته، اسباب و وسایلی که به‌عنوان جهاز عروس تهیه می‌شد متناسب با زندگی مردم، ساده و بسیط بود. به‌ویژه آنکه بسیاری از عروس‌ها، پس از عروسی مدت‌ها و یا سالیان زیادی در خانه مشترک شوهر و پدر شوهر زندگی می‌کردند و از اسباب و وسایل موجود در آن خانه استفاده می‌کردند. برخلاف گذشته، امروزه بسیاری از عروس‌ها به‌ویژه در شهرهای بزرگ از همان ابتدا خواهان زندگی مستقل و جهیزیه‌های لوکس و تجملاتی هستند. در بسیاری موارد نیز تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای و یا شرکت‌های اقتصادی، این موضوع به رقابت جدی میان جوانان و خانواده‌ها تبدیل شده است. (محسنی، ۱۳۹۰، ص ۴۱)

رقابت در تهیه جهیزیه باعث افزایش بی‌رویه مبالغ درخواستی از داماد توسط خانواده عروس با عنوان شیربها و یا گله شده است که این امر پیامدهای بسیار ناگواری را به‌دنبال دارد که یکی از آنها بالارفتن سن ازدواج و تبعات ناشی از آن است. همین امر باعث شده است که طی سال‌های اخیر تلاش‌های زیادی از سوی نهادهای مردمی و دولتی با هدف کاهش مصارف عروسی و به‌ویژه مبالغ

دریافتی به‌عنوان شیربها و گله و مانند آن از خانواده داماد صورت گیرد و طی این مدت اساس نامه‌های گوناگونی تنظیم و مصوب شده است. متأسفانه به دلایل گوناگون از جمله وجود طبقات اقتصادی، بیشتر این مصوبه‌ها پیش از مرحله اجرا متوقف شده است؛ زیرا خانواده‌های متمول هیچ‌گاه حاضر نیستند میزان مصارف عروسی خود را کاهش دهند و بلکه تلاش می‌کنند با استفاده از بهترین امکانات روز، مراسم عروسی را برگزار کنند. همین امر متأسفانه رقابت میان اقشار متوسط و چه بسا ضعیف جامعه را نیز ناخواسته تشدید کرده است.

#### ۴. شیربها و مهریه

مهر واژه‌ای است عربی و جمع آن مه‌ور و در لغت به معنای صدق آمده است. (فیومی، ۵۸۲/۲) در فارسی نیز با الفاظی چون مهر، کابین، دست پیمان، بضع صدق، شیربها و روی گشان، از آن تعبیر می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۳/۱۹۳۳۵). یکی از مسائلی که در علت پرداخت شیربها برای مادر دختر به جای مهریه دختر به آن اشاره شده این است که در جوامع سنتی، دختران حق تصمیم‌گیری ندارند همان‌طور که الزامی در تأمین مخارج منزل نیز متوجه آنها نیست چه قبل از ازدواج و چه هنگام زندگی مشترک و همین‌طور پس از طلاق. هنگام زندگی مشترک شوهر موظف است تمام نیازهای زندگی را تأمین کند. پیش از ازدواج و پس از طلاق نیز خانواده دختر حمایت کامل از دختر خود را به عهده می‌گیرد.

در چنین جوامعی حتی مهریه دختر نیز با عنوان شیربها و مانند آن به خانواده دختر پرداخت می‌شود، ولی در عرف رایج مردم افغانستان، شیربها و گله چیزی جدای از مهر است. مهر متعلق به خود زوجه است نه کسی دیگر، ولی گله و شیربها مبلغ پولی است که شوهر برای کسب رضایت پدر دختر یا کسان دیگر او غیر از مهر به صورت نقد به آنها پرداخت می‌کند. (رسولی، ص ۱۵۸) سنگینی نسبی مقدار مهریه، عدم توان پرداخت نقدی آن در آغاز زندگی مشترک، بالا بودن هزینه‌ها و تشریفات ازدواج مانند جهیزیه که خانواده دختر به تأمین آن الزام یافته‌اند موجب شده که تکلیف مالی دیگری که مبلغ آن در مقایسه با مهر کمتر بوده و امکان پرداخت نقدی آن برای همگان میسر است، تعیین شود (شرف‌الدین، ص ۱۷۱). در گذر زمان این موضوع به یکی از رسم‌های رایج

و رقابتی تبدیل شده است. به طوری که چه بسا مبلغ مهریه بسیار اندک است و هر کسی توان پرداخت آن را در هر فرصتی دارند. در حالی که برای تعیین شیربها و گله مبالغ گزافی پیشنهاد می شود و خانواده های متوسط باید مدت زیادی تلاش کنند تا مبلغ مورد نیاز شیربها را آماده و مراسم ازدواج را برگزار کنند.

## ۵. حکم فقهی و حقوقی شیربها

در نظام حقوقی اسلام مطالبه شیربها با توسل به انگیزه هایی چون جبران هزینه های ناشی از حضانت و تربیت فرزند یا مستمسکات دیگر از این سنخ فاقد مجوز است و والدین دختر شرعاً مجاز به دریافت چنین حقی نیستند. (امامی، ۱۳۴۷، ۱۷۱/۴) برخی فقها نیز گرفتن شیربها را حرام دانسته اند (تبریزی، ۱۳۸۵، ۳۲۸/۲). ماده ۱۰۴ قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان نیز تعهد به پرداخت شیربها یا گله را نمی پذیرد. به همین دلیل بیشتر خانواده ها از شیربها استفاده شخصی نبرده و برای خرید جهیزیه عروس هزینه می کنند که دوباره به خانه داماد برمی گردد. شماری از محققان نیز شیربها را بخشی از مهر می دانند که داماد به نیابت از عروس به والدین او به صورت نقد و قبل از انتقال عروس به خانه خود پرداخت می کند (امامی، ۱۳۴۷، ۱۷۱/۴). برخی این حق را هدیه دختر به مادر و گروهی نیز شیربها را هدیه ای مستقل تلقی کرده اند که از سوی مرد و به نشانه قدردانی از جلب موافقت دختر به وسیله اولیا یا مادر به ایشان پرداخت می شود. عده ای نیز آن را در مقابل جهاز اعطایی اولیا ملاحظه کرده اند (امامی، ۱۳۴۷، ص ۱۷۲).

اگر این سنت یا رسم از منظر یک توافق یا قرارداد حقوقی و شرعی ارزیابی شود براساس نظر برخی مراجع و حقوق دانان، پولی را که پدر دختر از داماد برای جهیزیه دخترش می گیرد در صورتی که به عنوان شرط ضمن العقد به پدر دختر بدهند اگر از جهیزیه زیاد بیاید مبلغ اضافی برای پدر دختر حلال است و اگر آن را به نام دختر قرار داده باشند و جزء مهریه وی باشد متعلق به دختر است. در نتیجه اگر مبلغ شیربها را داماد به منظور تأمین جهیزیه دختر به خانواده دختر می دهد آنها حق ندارند این مبلغ را برای مصارف غیر از جهیزیه هزینه کنند به گونه ای که به کیفیت جهیزیه دختر لطمه وارد کند. (علیان نژاد، ۱۳۸۸، ص ۹۵؛ محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۲۲۴) اگر شیربها

یا گله را به‌عنوان مهر حاضر به دختر بدهند از نظر شرعی می‌تواند حلال باشد البته به شرطی که در عقد ازدواج این موضوع به‌عنوان مهر حاضر قید شود (رسولی، ص ۱۵۸). برخی نیز گرفتن شیربها را به‌عنوان شرط ضمن عقد صحیح دانسته‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۲۲۴)، ضمن آنکه در قالب شماری از توجیهات مجاز حقوقی می‌توان داماد را افزون بر پرداخته مهریه به پرداخت حقوق دیگری از جمله شیربها نیز ملزم کرد.

## ۶. حکم مطالبه شیربها

از آنجاکه قانون درباره اصل شیربها ساکت است و در مورد حواشی آن نیز حکمی بیان نکرده، ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا شیربها قابل مطالبه است. پاسخی که در مورد این سؤال داده شده است به این شرح است که شیربها امری است عرفی و رژیم حقوقی مشخصی برایش نیست تا بتوان درباره جزئیات آن حکم قانونی یافت ضمن آنکه از نظر برخی فقها گرفتن شیربها یا گله حرام است. (تبریزی، ۱۳۸۵، ۲/۳۲۸) با این حال به نظر می‌رسد وجهی که به این عنوان به خانواده دختر پرداخت می‌شود در بعضی موارد قابل استرداد نیست، حتی اگر هبه باشد؛ زیرا اگر پول باشد که عوض آن جهیزیه داده شده است و استرداد جهیزیه هنگام جدایی الزاماً دلیلی برای استرداد آن مبلغ به‌عنوان شیربها نیست. اگر هم صلح کرده باشد و این صلح بلاعوض ارزیابی شود باز هم موردی برای پس گرفتن نخواهد بود؛ زیرا صلح بلاعوض نیز جایز است (ر.ک.، قانون مدنی ایران، ماده ۷۵۷). براساس نظر جمعی از قضات دادگاه‌های حقوقی تهران که در مورخه ۱۵/۱۰/۶۷ اعلام و در اندیشه‌های قضایی منتشر شد: «دعوی والدین زوجه دایر بر مطالبه وجه به‌عنوان شیربها علیه داماد، مادامی که در خصوص آن شرط یا تعهدی نشده باشد به علت فقدان موجب قانونی و شرعی مسموع نیست و اگر شوهر چیزی به‌عنوان شیربها برای ازدواج داده، ولی وصلت منظور صورت نگرفته و یا در صورت تحقق ازدواج بدون اراده و یا تقصیر او به هم خورده باشد با اتخاذ وحدت ملاک از ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی می‌تواند از دادگاه شیربهای پرداختی را استرداد کند» (دهقان، ۱۳۸۷). با این همه به نظر می‌رسد برای یافتن راه حلی برای یک مسئله عرفی تکیه بر همان عرف و توافق اولیه راهگشاتر از استناد به قوانین نانوشته و رژیم حقوقی نامشخصی است



که هیچ حکمی درباره یک اقدام عرفی ندارد. برای کیفیت مطالبه و پرداخت شیریهها حالات مشروع و ممنوعی در منابع فقهی و حقوقی بیان شده است (ر.ک.، شرفالدین، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶) که برخی از آنها براساس معیارهای مورد در نظام حقوقی اسلام مجاز و برخی نیز غیر قابل توجیه هستند از جمله:

اگر مرد مالی را با عنوان جعاله به خانواده همسر آینده خود بدهد تا دخترشان را به نکاح او راضی نموده و یا موانع موجود را برطرف کنند دریافت و پرداخت چنین مالی مجاز خواهد بود و پس از انجام نکاح، مرد نمی تواند مال مذکور را استرداد کند و حتی در صورت طلاق نیز عمل به این عقد جعاله لازم است؛ زیرا چنین عملی از نظر عقلا یک عقد واجب است که لازم است به مقتضای آن عمل شود؛

اگر مرد مالی را بدون عنوان جعاله به یکی از نزدیکان زن تسلیم کند (برای جلب رضایت آنها یا رضایت دختر) در این حالت، مرد پس از عقد و در صورت عین مال پرداختی می تواند آن را به همراه ارزش های افزوده آن استرداد کند؛ زیرا مال مزبور هبه معوضه نبوده و تحت هیچ یک از عقود در نمی آید و چون به نوعی از اباحه و تسلیط غیر بر مال خود شباهت دارد مطالبه برگشت آن مجاز خواهد بود، اما در صورت تلف عین مال، مرد حق مطالبه آن را ندارد؛

اگر مرد و زن به نکاح با یکدیگر رضایت کامل داشته باشند و بر مقدار معینی با عنوان مهر توافق کنند، ولی پدر و نزدیکان زن با طرح اشکالاتی از وقوع نکاح آنها مانع شوند و مرد بالاچاره به پرداخت مالی و جهت جلب رضایت آنها اقدام کند در این صورت شرط باطل است و مرد هر وقت بخواهد می تواند عین آن مال را در فرض بقا و یا عوض آن را در صورت تلف، مطالبه و مسترد کند؛

اگر نکاح به ولایت از طرف پدر منعقد و به همین دلیل افزون بر تعیین مهر برای زن، مال دیگری برای پدر دختر نیز قرار داده شود، نکاح صحیح و شرط ضمن آن باطل است. این امر در موردی اتفاق می افتد که ولی قانوناً بتواند دختر خود را شوهر دهد و آن در صورتی است که دختر قابلیت صحتی برای ازدواج دارد هر چند بالفعل فاقد شرط سنی است. در این صورت اگر ولی در ضمن عقد علاوه بر مهری که برای دختر معین کرده مالی نیز برای خود تعیین کند شرط مزبور باطل است؛ زیرا

شرط ضمن عقد در صورتی صحیح است که طرفین عقد یا نماینده آنها در حدود اختیاراتی که دارند آن را تعیین کنند و نکاحی که ولی منعقد می‌کند به نمایندگی از طرف مولی علیه صورت می‌پذیرد و روشن است که نمایندگی، فقط در انعقاد عقد نکاح است نه به‌طور عام تا درج شرط به نفع خود را نیز شامل شود. پدر در این امر مانند وکیلی است که از حدود اختیارات خود تجاوز کرده و در این حالت نکاح منعقد صحیح و شرط مجعوله باطل است؛

اگر با توافق دختر، مقداری از مهر او به‌عنوان شیربها هدیه یا هر عنوان دیگری به والدین او تعلق گیرد این اعطا صحیح بوده و به‌عنوان بخشی از مهر، لازم‌الاستیفاء است؛  
اگر والدین دختر علاوه بر مهر، مبلغی را برای خرید جهاز مطالبه کرده و شوهر نیز با طیب خاطر آن را بپردازد مطالبه و پرداخت این مقدار صحیح بوده و خانواده دختر طبق قرارداد و به‌طور متعارف موظف به تأمین جهاز خواهند بود؛

اگر شیربهای درخواست شده جزء مهر قرار گیرد به این معنا که والدین را در مهر شریک کرده باشند فقط مقداری که برای زوجه مشخص شده به‌عنوان مهر محسوب می‌شود و مابقی آن باطل بوده و زوج ملزم به پرداخت آن نیست (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۱/۲۹)؛

اگر در ضمن عقد نکاح، شرط شود که شوهر علاوه بر پرداخت مهر معین، عملی نیز برای ولی زن انجام داده یا مالی را به او بپردازد شرط و مهر هر دو صحیح و مرد ملزم به تأمین آن است؛ زیرا شرط مزبور هرچند به نفع پدر است، ولی با قبول زن در حقیقت جزء مهر محسوب شده و از اقسام تعهد به نفع شخص ثالث است (محقق داماد، ۱۳۹۳، ص ۲۲۴)؛

اگر مالی در اختیار خانواده عروس قرار داده شود تا برای داماد از طریق تهیه جهیزیه مسترد گردد که به‌شکل امانت قابل تصور است مشروعیت این مورد با توجه به اینکه جهیزیه از طرف زوجه قابل استرداد است جای سؤال و تردید دارد؛

اگر به‌عنوان جعاله برای انجام یک عمل مباح، پولی به‌عنوان شیربها به پدر و یا مادر و یا بستگان زوج برای انجام برخی مقدمات عروسی پرداخت شود این شیربها مباح خواهد بود و در

صورت انجام عمل مورد نظر توسط طرف قرارداد در جعاله، انجام‌دهنده کار مستحق اجرت است و دهنده مال، حق بازپس‌گیری آن را ندارد (حبیبی‌تبار، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲)؛

اگر پرداخت شیربها به صورت وکالت باشد یعنی، خانواده عروس وکیل باشند که برای شوهر اقلامی از وسایل و اثاث‌البیت را به سلیقه خود خریداری کنند در این صورت نیز آنچه توسط این پول پرداختی خریداری می‌شود متعلق به زوج خواهد بود هر چند عملاً چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ زیرا اقلامی که توسط زوجه به‌عنوان جهیزیه آورده می‌شود چه از طریق شیربها خریداری شود و یا پدر و مادر دختر اضافه بر شیربها خریداری کرده باشند در داخل سیاهه‌ای از داماد امضا می‌گیرند و در صورت وقوع طلاق، طبق لیست هم مسترد می‌کنند (اباذری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

تا اینجا روشن شد که صورت‌های گوناگونی در شیربها قابل تصور است که هر یک به‌شکلی با قواعد عمومی قراردادها و یا قالب‌های مطرح شده در هبه معوض، هبه غیرمعوض، عاریه، امانت، تملیک مجانی، جعاله، وکالت در تعارض و غیر قابل توجیه حقوقی است. در این میان بهترین شکلی که مسئله شیربها را توجیه می‌کند شیربها را جزئی از مهریه حال دانستن است. بدین شکل که مبلغی به‌عنوان مهریه برای زوجه به‌صورت حال در نظر گرفته شود و خانواده عروس از آن مهریه برای تهیه جهیزیه استفاده کنند. در این صورت جهیزیه از طرف زوجه قابل استرداد است. هر چند این فرض نسبت به فرض‌های دیگر بلاشکال است، ولی آنچه با این مال تهیه می‌شود تابع احکام راجع به مهریه است. (اباذری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰)

## ۵. مالکیت شیربها

استقلال مالی از اصول مسلم نظام حقوقی اسلام است و ازدواج محدودیتی در استقلال مالی زوجین ایجاد نمی‌کند. بنابراین، زن و مرد هر کدام مالک سرمایه خویش هستند و حق تصرف در اموال خود را دارند. چنان‌که بیان شد یکی از عادات شایع در بیشتر بلاد اسلامی این است که خانواده زوجه او را در تهیه جهاز و خرید آن مساعدت و همیاری می‌کنند تا آن را به منزل مشترک ببرد. این امر یا از باب اظهار محبت به دخترشان است یا اینکه زوج توانایی کافی برای تهیه همه جهاز را به‌گونه‌ای که زوجه می‌خواهد ندارد. (ر.ک.، زیدان، ۱۴۲۰، ۱۴۷/۷؛ بدران، ۲۲۸/۱) از طرفی

در شماری از کشورها نیز رسم است که زوج شخصاً تهیه جهاز را به عهده می‌گیرد و یا با پراخت پول با عناوین شیربها، گله و مانند آن به خانواده زوجه وکالت می‌دهد که این کار را انجام دهند. وقتی این جهاز به خانه مشترک زوجین منتقل می‌شود بحث از مالکیت جهازی که توسط زوج و یا زوجه برای زندگی مشترک تهیه می‌شود به میان می‌آید.

مشکل اساسی این است که در زندگی عملی، تنظیم روابط مالی بین زن و شوهر و تفکیک اموال زوجین با دشواری‌هایی روبه‌روست؛ زیرا زن جهیزیه‌اش را در اختیار خانواده قرار می‌دهد بدون اینکه صورتی از آنها تهیه کند یا سند خرید آنها را نگه دارد. شوهر نیز اسباب و لوازم مورد نیاز را تهیه می‌کند و در اختیار خانواده‌اش قرار می‌دهد بدون اینکه صورت‌برداری و سندسازی انجام دهد. به‌ویژه اگر در برخی جوامع مانند جامعه افغانستان، تهیه صورت برخلاف عرف و رویه اجتماعی و نوعی بی‌اعتمادی بین زن و شوهر تلقی شود (رضایی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸)، افزوده شدن گرفتن شیربها و گله به این موضوع باعث ابهام بیشتر در بحث مالکیت جهازی که با پول زوج تهیه شده است، می‌شود.

در مجموع، یکی از حقوق طبیعی افراد مالکیتی است که بر اموال خود دارند. اسلام نیز که بر فطرت پاک انسانی مبتنی است اصل مالکیت خصوصی را پذیرفته و در آیات بسیاری از قرآن کریم به این موضوع و ضرورت احترام گذاشتن به آن اشاره شده و مردم و حتی غیر مسلمانان را مالک اموالشان می‌داند. از جمله در آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره با بیان شرایط مبارزه با کفار، مالکیت خصوصی آنها بر اموالشان به رسمیت شناخته شده است با تأکید بر اینکه نباید با عناوین گوناگون اصل مالکیت مردم را نادیده گرفت؛ زیرا مالکیت خصوصی در اسلام پذیرفته شده است طوری که بر هیچ کسی ظلم نشود: «وَإِنْ تُبْتِئُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ؛ و اگر توبه کنید اصل سرمایه‌های شما از خودتان است و در این صورت نه ستم می‌کنید و نه بر شما ستم می‌شود».

در آیه ۹۲ سوره مبارکه نساء با محترم دانستن مالکیت فردی، تصرف در اموال دیگران جز از راه معاملات صحیح و براساس رضایت، تحریم شده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را در میان خود به باطل نخورید مگر اینکه تجارتي یا رضایت یکدیگر باشد». در آیه شریفه دیگر با

آنکه مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و مردم را مالک اموالشان می‌داند هرگونه تصرف عدوانی در اموال دیگران گناه و جرم تلقی و از آن نهی می‌شود: «و اموال یکدیگر را میان خودتان به باطل و ناحق نخورید و اموال را به عنوان رشوه به سوی حاکمان و قاضی‌ها سرازیر نکنید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید درحالی که خود می‌دانید که خلاف می‌کنید» (بقره: ۱۸۸).

با توجه به آیات فوق، خداوند انسان را مالک اموال خودش قرار داده و به هیچ کسی حق تصرف در اموال خصوصی دیگری را نداده است مگر با اذن و اجازه مالک. بنابراین، اصل بر ممنوعیت تصرف در اموال دیگران است بلکه وجود معامله ناقله صحیح باید ثابت شود و انتقال مالکیت تنها از طریق تجارت صحیح درست صورت گیرد. (جاویدی، ۱۳۹۰، ص ۸) فقها نیز تصریح دارند بر اینکه هر کسی مالی را از راه مشروع به دست آورد، مالک آن شناخته شده و کسی دیگر حق تصرف در آن و یا ممانعت مالک از تصرف در آن را ندارد (سبزواری، بی تا، ۱۹۲/۲۵).

بنابراین، آنچه از زوج ملزم می‌شود با عنوان شیربها و مانند آن به خانواده زوج پرداخت کنند، ممکن است ذیل یکی از دو عنوان هبه و عاریه قرار گیرد. تفاوت این دو عنوان در این است که از نظر فقهی و حقوقی، بسیاری از حقوق دانان و فقها معتقدند که هبه در موارد خاص و از جمله در هبه اقارب و زوجین، وقتی قبض صورت گیرد مالکیت آن مال به گیرنده هبه منتقل می‌شود و هبه‌کننده حق رجوع به آن را ندارد. درحالی که اگر اعطای جهیزیه با نیت عاریه صورت گرفته باشد این اموال در صورت عاریه‌گیرنده امانت است و تنها حق بهره‌برداری از منافع آن را دارد و مالک اصل مال نمی‌شود. از منظر فقهای امامیه، هبه به زوجین در بیشتر موارد قابل بازگشت نیست، اول آنکه در هبه میان زوجین رجوع جایز نیست. دوم آنکه این هبه ممکن است تلف شده باشد یا تغییر یافته و یا تحت سایر موارد فوق قرار گرفته باشد که حق رجوع را از هبه‌کننده سلب می‌کند. (مدرسی، ۱۳۹۰، ص ۳۹۶)

در مجموع نسبت به درجه خویشاوندی که مانع از رجوع به هبه می‌شود اتفاق نظر وجود ندارد و برخی فقها با استناد به دلالت آیات قرآن کریم و اخبار گفته‌اند که در هبه به اقارب و همین‌طور زوجین، پس از قبض هبه توسط موهوب‌له، رجوع جایز نیست؛ فرقی نمی‌کند اقارب

مسلمان باشند و یا کافر. (ر.ک.، طباطبایی یزدی، ۱۴۲۳، ۶/۲۵۸ و ۲۵۳) حال در بحث شیربهای که زوج به زوجه و یا خانواده او می‌دهد بر مبنای فقه امامیه اگر آن اموال را به خانواده زوجه هبه کرده باشد چون آنها جزء اقارب نیستند در شرایط عادی مالک مال نمی‌شوند، ولی اگر این مال را با هدف تهیه جهیزیه و مانند آن برای زوجه هبه کرده باشد پس از گرفتن آن توسط زوجه، رجوع به آن جایز نیست، ولی اگر عاریه باشد، عاریه ملکیت نمی‌آورد و عاریه‌گیرنده فقط حق انتفاع دارد و اصل مال در ملکیت عاریه‌دهنده باقی است.

در صورت اختلاف، یکی از راه‌های اصلی اثبات هبه و یا عاریه بودن جهیزیه این است که مطابق اصل کلی در فقه امامیه، مدعی هبه بودن اموال باید بینه بیاورد. اگر از آوردن بینه خودداری کرد و یا بینه نداشت منکر هبه باید قسم بخورد و در این صورت اموال از مصادیق هبه بودن خارج می‌شود و به صاحب اصلی آن بازمی‌گردد. (سبزواری، بی‌تا، ۱۹۴/۲۵) همین‌طور ادعای عاریه بودن اموال نیز بدون بینه قابل قبول نیست و اگر بینه ندارند باید زوجه و یا ورثه او را قسم بدهند به اینکه در این باره آگاهی ندارند. پس از ارائه بینه اموال به عاریه‌دهنده برمی‌گردد وگرنه در ملک زوجه و یا ورثه او باقی می‌ماند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ۲/۱۴۴؛ طباطبایی حائری، ۱۴۲۲، ۱۳/۱۹۴).

بر مبنای فقه حنفی نیز اگر به هر دلیلی زوجه مالک جهیزیه شناخته شود مانند آنکه زوج و یا والدین این اموال را به او هبه کرده باشد اقسام جهیزیه در ملکیت زوجه بوده و پس از فوتش به ورثه منتقل می‌شود، ولی اگر ثابت شود که اموال در ملکیت زوج و یا والدین زوجه باقی است آنها می‌توانند در اقسام جهیزیه تصرف مالکانه کنند و در زمان مناسب از زوجه و یا ورثه او برگردانند. (زیدان، ۱۴۲۰، ۷/۱۴۷) در صورت فقدان بینه یا به شخص معتمد رجوع و هر آنچه او نظر داد مطابق همان عمل شود (الجزیری، ۱۴۲۴ق، ۴/۱۰۰؛ زیدان، ۱۴۲۰، ۷/۱۵۰) و یا به عرف رایج هر منطقه مراجعه و مطابق آن عمل شود (الحصکفی، ۱۴۲۳، ص ۵۵۸؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲، ۳/۱۵۶ و ۵/۶۸۳- ۶۸۴؛ بن نجیم الحنفی و بن عمر عابدین، ۱۴۱۲، ۳/۲۰۰).

اگر ثابت شود اموال اهدایی به زوجه عاریه بوده است در صورت مطالبه عاریه‌دهنده و یا پایان یافتن مدت زمان استفاده از آن و زمان استفاده مفید از آن، عاریه‌گیرنده (زوجه) ملزم است آن

اموال را برگرداند و به هیچ وجه مالک آنها نمی‌گردد. (موصلی، ۱۳۵۶، ۵۵/۳) در صورت کوتاهی و تصرف بیش از حد در مال عاریه داده شده عاریه‌گیرنده ضامن مال است. همین طور حق ندارد بدون اجازه مالک، آن مال را به کسی دیگر اجاره و یا عاریه دهد و حق فروش آن را نیز ندارد وگرنه در تمام موارد ذکر شده ضامن است (بروجدی عبده، ۱۳۸۰، ص ۳۴۶).

اگر عقد بر مبنای مهر معینی منعقد شود، ولی مبلغ دیگری با عنوان شیربها و غیره توسط زوج به خانواده زوجه پراخت شود و زوجه با آن پول چیزی برای خودش تهیه کند بدون اینکه جهیزیه‌ای تهیه کند و به منزل زوج برود در این صورت برای مطالبه جهیزیه از سوی زوج در فقه حنفی دو حالت در نظر گرفته شده است: الف) اگر زوج سکوت اختیار کرد دلالت بر رضایت وی دارد و حق مطالبه جهیزیه از وی ساقط می‌شود؛ ب) ولی اگر زوج سکوت نکرد این امر دلیل بر نارضایتی اوست و حق مطالبه جهاز برای زوج از زوجه ثابت است؛ زیرا زوج برای زوجه تبرع نکرده است بلکه آن مبلغ را برای فراهم کردن جهاز به زوجه عطا کرده تا آن چیزی که بر زوج واجب است برای همسرش فراهم کند را خود زوجه تهیه کند (الجزیری، ۱۴۲۴، ۱۰۰/۴).

در اینجا تفصیلی به وجود آمده در زمانی که جهیزیه از مهریه تهیه شود که در این صورت حقی برای زوج در زمینه مهیا کردن جهیزیه از جانب زوجه نیست؛ زیرا مهریه مال زوجه است و زمانی که مبلغی غیر از مهریه (شیربها) برای خریداری جهاز به زوجه اعطا شود. در این حالت، سکوت و عدم اماره است بر ایجاد حق مطالبه جهاز برای زوج یا عدم ایجاد آن. از نگاه حقوقی، اموالی که از مال زوج با عنوان شیربها و غیره تهیه شده و او قصد انتقال مالکیت نکرده باشد در ملکیت شوهر باقی است و از نظر عرف و عادت و تأییدات حقوقی و فقهی و قصد و اراده متعارف شوهر، زن فقط حق انتفاع دارد و هیچ‌گونه مالکیتی نسبت به اموال فوق برای او حاصل نمی‌شود مگر اینکه این اموال را زوج به ملکیت زوجه درآورد. (الموسوی الخمینی، ۷۵۷/۳؛ مهرپور، ۱۳۹۱، ص ۴۱؛ رضایی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱)

اگر مطابق رسم رایج برخی کشورها که خرید جهیزیه برعهده شوهر است و در مواردی نیز اقلام جهیزیه را خانواده دختر به صورت مکتوب فهرست می‌کنند و در مجلس خواستگاری به امضا

خانواده زن و مرد می‌رسانند و سایر ریش سفیدان سند مذکور را امضا کرده و گواهی می‌کنند در این صورت جهیزیه در مالکیت شوهر باقی مانده و زن تنها حق استفاده از آنها را دارد و تعهد خرید جهیزیه توسط شوهر به معنای این نیست که اقلام مندرج در لیست جهیزیه به مالکیت زن درمی‌آید. (مدنی کرمانی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۳) در صورت اختلاف در تملیک و یا عدم تملیک اجناس و اقلام موجود که مورد استفاده زوجه قرار دارد با توجه به مبنای عرفی در مورد مالکیت و عدم مالکیت زن، قانون‌گذار نیز اراده شوهر را مأخذ و منبع قرار می‌دهد (مهرپرور، ۱۳۹۱، ص ۴۱).

## ۶. نتیجه‌گیری

بررسی تاریخچه شیربها در فرهنگ‌های جوامع مختلف اروپایی و آسیایی و به‌ویژه فرهنگ عمومی جامعه ایران و افغانستان روشن شد که بسیاری از آداب و رسوم ازدواج در زمان‌های بسیار گذشته ریشه دارد و حتی این رسم‌ها در فرهنگ بسیاری از ملل دنیا مشترک است. در این میان پرداخت شیربها برای تهیه جهیزیه و سایر مصارف ازدواج توسط خانواده عروس همچنان در اغلب کشورهای دنیا مرسوم بوده است. از منظر فقهی و حقوقی، مسئولیت تهیه لوازم زندگی در صورتی که جزء موضوعات اصلی نفقه محسوب شود و از نیازمندی‌های ضروری و حیاتی زوجه باشد تا حدی که عرف و عادت اقتضا کند به عهده زوج بوده و تنها در صورت پرداخت شیربها و یا مبلغی غیر از مهریه به زوجه یا خانواده وی به دوش زوجه است. مکلف شدن زوجه به تهیه جهیزیه در برخی مواد قانونی احوال شخصیه شیعیان افغانستان از آنجا که مخالف مبانی فقهی است، ممکن است ناظر به همین مورد دریافت شیربها برای تهیه جهیزیه باشد؛ زیرا در عرف افغانستان رسم بر این است که هزینه تأمین جهیزیه طی قراردادی از زوج و خانواده او به‌عنوان شیربها و گله و مانند آنها گرفته می‌شود و با همان پول جهیزیه تهیه می‌شود. استقلال مالی هر شخص از اصول مسلم نظام حقوقی اسلام است و ازدواج، محدودیتی در استقلال مالی زوجین ایجاد نمی‌کند. بنابراین، زن در اهلیت برای مالکیت و بهره‌گیری از اموال با مرد یکسان است و هیچ تفاوتی میان آنها وجود ندارد. تمام طرق و وسایلی را که مرد می‌تواند به منابع مالی دسترسی پیدا کند برای زن نیز قانوناً و شرعاً فراهم است و هیچ ممنوعیت و محدودیتی از این جهت برای زن وجود ندارد. زوجه هر آنچه از



اموال و دارایی خود تهیه کرده باشد ملک او بوده و کسی حق تعرض به او را ندارد و تصرف در اموالش نیازمند اذن کسی نیست. از جمله این دارایی‌ها اموالی است که با عنوان شیربها از سوی زوج به زوجه و یا والدین او پرداخت شده است؛

از آنجاکه دریافت اموالی با عنوان شیربها از زوج خلاف شرع است صورت‌های گوناگون دیگری برای مشروعیت دریافت شیربها قابل تصور است که هر یک به شکلی با قواعد عمومی قراردادها و یا قالب‌های مطرح شده در هبه معوض، هبه غیرمعوض، عاریه، امانت، تملیک مجانی، جعاله، وکالت در تعارض و غیرقابل توجیه حقوقی است. بهترین شیوه برای توجیه شرعی پرداخت شیربها این است که شیربها جزئی از مهریه حال قرار بگیرد و خانواده عروس از آن مهریه برای تهیه جهیزیه استفاده کنند. البته در این صورت آنچه با این مال به عنوان جهیزیه تهیه می‌شود تابع احکام راجع به مهریه قرار خواهد گرفت. اگر اعطای شیربها با نیت هبه به زوجه صورت گرفته باشد آن اموال پس از قبض در ملکیت زوجه داخل شده و کسی حق استرداد آن را ندارد؛ زیرا از منظر فقها و حقوق دانان در هبه به اقارب و زوجین رجوع جایز نیست، ولی اگر اعطای آن به عنوان عاریه بوده باشد زوجه هیچ‌گونه مالکیتی بر آن ندارد و فقط به عنوان امانت می‌تواند از منافع آنها بهره‌مند شود؛ زیرا ماهیت عاریه این است که عاریه‌گیرنده تنها حق بهره‌برداری از منافع اموال را دارد و مالک عین آن نمی‌شود بلکه ملزم است پس از مهلت زمان عاریه و یا پایان یافتن زمان استفاده معقول از مال و یا مطالعه عاریه‌دهنده، آن اموال را به مالک اصلی آن برگرداند؛

اگر شیربها به عنوان عاریه در اختیار زوجه قرار گرفته باشد ید عاریه‌گیرنده ید امانی است و مال عاریه در دست وی به عنوان امانت است و نه تنها حق تصرف مالکانه را در آن ندارد بلکه در صورت کوتاهی و تصرف بیش از حد ضامن مال است. ضمان آن منحصر به تلف مال نیست بلکه در صورت ورود هرگونه ورود نقص و یا عیب که در اثر تعدی یا تصرف عدوانی و مانند آن در استفاده از مال به وجود می‌آید متصرف ضامن است و اگر محکوم به تصرف غاصبانه در مال غیر شود، می‌تواند به عنوان خیانت در امانت تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و مجبور به پرداخت خسارت‌های وارده شود.

۱. اباذری فومشی، منصور (۱۳۸۵). نحوه عملی رسیدگی به دعاوی خانوادگی در محاکم و دادسراها. تهران: انتشارات خرسندی.
۲. ابن عابدین دمشقی الحنفی، محمد امین بن عمر (۱۴۱۲). ردالمحتار علی الدر المختار. بیروت: دار الفکر.
۳. ابن نجیم المصری، زین الدین بن ابراهیم و محمد امین بن عمر عابدین (بی تا). البحر الرائق شرح کنز الدقائق. بی جا: دار الکتب الاسلامی.
۴. امامی، اسدالله، و صفایی، حسین (۱۳۷۸). مختصر حقوق خانواده. تهران: دادگستر.
۵. امامی، سید حسن (۱۳۴۷). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۶. بدران ابوالعینین بدران (۱۳۸۷ هـ.ق) الفقه المقارن للأحوال الشخصیه بین المذاهب الاربعه السنیه والمذهب الجعفری والقانون الزوج والطلاق. بیروت: دارالنهضة العربیة.
۷. بروجردی عبده، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۸. تبریزی، جواد (۱۳۸۵). استفتائات جدید. قم: سرور.
۹. جاویدی، مجتبی (۱۳۹۰). سیمای حقوق در قرآن: بررسی نکات حقوقی قرآن با تأکید بر تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۰. جزیری، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۴). الفقه علی المذاهب الاربعه. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. حبیبی تبار، جواد (۱۳۸۰). گام به گام با حقوق خانواده. تهران: نشر خرم.
۱۲. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. مترجم: اسلامی، علی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. دهقان، سعید (۱۳۸۷). مجموعه پرسش و پاسخ‌های حقوقی در امور خانواده. تهران: معاونت آموزش قوه قضاییه. انتشارات جاودانه.
۱۵. رسولی، عبا عبدالحسین (۱۳۹۳ ش)، حقوق خانواده: مطالعه تطبیقی حقوق افغانستان با فقه (حنفی و امامی). کابل: بنیاد اندیشه.
۱۶. رضایی، ابراهیم (۱۳۹۶). حقوق خانواده بر اساس قانون مدنی و قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان. کابل: بنیاد اندیشه.
۱۷. زیدان، عبدالکریم (۱۴۲۰). المفصل فی احکام المرأة و بیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، بیروت: مؤسسه الرساله ناشرون.
۱۸. سبزواری، سید عبدالاعلی (بی تا). مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام. قم: دارالتفسیر.
۱۹. شرف‌الدین، سید حسین (۱۳۹۱). تبیین جامعه شناختی مهریه. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۲۳). العروه الوثقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی (جامعه مدرسین حوزه علمیه).



۲۱. طباطبایی حائری، سید علی (۱۴۲۲). ریاض المسائل فی بیان احکام الشرع بالادلة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۲۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۷۸). تکمله العروه الوثقی. مصحح: طباطبایی، سید محمد حسین. تهران: مطبه حیدری.
۲۳. علاءالدین حصنی حصکفی حنفی، محمد بن علی (۱۴۲۳). الدرالمختار شرح تنویر الابصار و جامع البحار. محقق: عبد المنعم خلیل ابراهیم. بی جا: دار الکتب العلمیه.
۲۴. علیان نژاد، وحید (۱۳۸۸). احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی مطابق با فتاوی آیت الله العظمی مکارم شیرازی. قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۵. عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: راه رشد.
۲۶. قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان.
۲۷. قانون مدنی افغانستان.
۲۸. قانون مدنی ایران.
۲۹. محسنی (حکمت)، محمد آصف (۱۳۹۰). زنان در افغانستان (فرصت‌ها، راهکارها، چالش‌ها). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
۳۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۳). بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۱. مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۹۰). احکام معاملات. قم: محبان الحسین (ع).
۳۲. مدنی کرمانی، عارفه (۱۳۹۴). دعاوی خانوادگی. تهران: انتشارات مجد.
۳۳. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: آدانا: کتاب راه نو.
۳۴. مقرئ فیومی احمد بن محمد (۱۴۱۴ هـ.ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. قم، مؤسسه دار الهجره
۳۵. موصلی، عبدالله بن محمود (۱۳۵۶). الاختیار لتعلیل المختار. تعلیق از: شیخ محمود أبو دقیقه. القاهره: الحلبي.
۳۶. مهرپور، حسین، روشن، محمد، و محمدی رمقانی، محمد حسن (۱۳۹۱). مطالبات زوجه و روش وصول آن. تهران: جنگل، جاودانه.
۳۷. نجفی، شیخ محمد حسن (معروف به صاحب جواهر) (۱۹۸۱). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. محقق: قوچانی، محمود. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۸. [HTTP://PERSIANV.COM/FARHANGOHONAR/HTML](http://PERSIANV.COM/FARHANGOHONAR/HTML)